

## وضعیت الگویی مشاغل کشاورزی در ایران

محسن ابراهیم‌پور\*

محسن علینی\*\*

فهیمة جهان‌نما\*\*\*

### چکیده

مقاله حاضر از طرح پژوهشی ملی استاندارد آموزشی مشاغل روستایی در حوزه کشاورزی ایران حاصل شده است. در این پژوهش با استفاده از روش‌های پیمایشی، اسنادی و فنون تحلیل چندبعدی تعداد ۲۸۸۱ عنوان شغلی در شش بخش کشاورزی، شامل زراعت و باغبانی، دام و طیور، شیلات و آبزیان، منابع طبیعی و آبخیزداری، صنایع کشاورزی و روستایی و خدمات کشاورزی و روستایی شناسایی و طبقه‌بندی شده است. در این مرحله ۱۸۵۱ شاغل در استان‌های کشور مورد بررسی قرار گرفتند. شناخت محتوا و ویژگی‌های فعالیت‌های کشاورزی و تحلیل ابعاد محتوایی، وضعیتی، محیطی و الگویی مشاغل به منظور دستیابی به شرایط و اختصاصات برنامه آموزشی مشاغل از مهم‌ترین مراحل پژوهش است.

با انجام تحلیل‌های ترکیبی، بالاخص عاملی و خوشه‌ای مشخص گردید که ۸/۴ درصد از مشاغل کشاورزی و روستایی مورد بررسی، کاملاً سنتی هستند و از نظر ضرورت وجودی و کارکردی در طول دهه‌های اخیر فرآیندی قهقرای داشته و در حال محو شدن هستند. هم‌چنین ۲۳/۳ درصد در زمره مشاغل انتقالی قرار دارند و در

---

\* استادیار مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی جهاد کشاورزی/

ebrahimpourmohsen@yahoo.com

\*\* دکتری جامعه‌شناسی و استادیار مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی جهاد کشاورزی

\*\*\* عضو هیئت علمی مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی جهاد کشاورزی

---

تاریخ پذیرش: ۸۷/۱۱/۱۶

تاریخ دریافت: ۸۷/۸/۷

مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، س ۱۶، شماره ۶۱، تابستان ۱۳۸۷

مجموع حدود یک سوم از مشاغل مورد بررسی در زمره مشاغل سستی (با بالا بودن میانگین سنی و میزان بی‌سوادی شاغلان) قرار می‌گیرند و نیاز به برنامه‌های آموزشی ویژه دارند. بیشترین مشاغل مورد بررسی در زمره مشاغل در حال گذار هستند. این نوع از مشاغل هم ویژگی‌های مشاغل مدرن و هم ویژگی‌های مشاغل سستی را دارا هستند. مشاغل مدرن نیز ۲۴ درصد از کل مشاغل مورد بررسی را شامل شده‌اند. بیش از ۱۱ درصد مشاغل (۳۴ عنوان شغلی) از جمله کشت گلخانه‌ای نیز در زمره مشاغل کاملاً نوین قرار داشته‌اند، بر این اساس در تدوین استانداردهای آموزشی مشاغل، علاوه بر تکیه بر محتوای شغل، توجه به ویژگی‌ها و ماهیت شغلی بسیار اساسی است. به‌علاوه این‌که، با اتخاذ این رویه آموزشی، تحولی اساسی در شیوه و محتوای آموزش شغلی ایجاد می‌شود و پیش‌بینی چنین تحولی در سطوح آموزش عالی نیز محتمل است.

کلیدواژه‌ها: شغل، کشاورزی، الگو، تحلیل، مشاغل.

#### ۱. مقدمه

شناخت محتوا و ویژگی‌های مشاغل کشاورزی و تحلیل ابعاد مهارتی، حرفه‌ای و تجربی بیش از سه میلیون و سیصد هزار نفر از شاغلان آن بخش، به منظور دستیابی به استاندارد آموزشی مشاغل، در رویکردهای نوین آموزشی خاصه نظریه‌های پودمانی، بدیل، نهادی محور و محلی دارای کارکردی معرفتی، روشی است.

از طرف دیگر، محرک بنیادین و مؤلفه اساسی کارآمدی<sup>۱</sup>، مفید بودن<sup>۲</sup>، اثربخشی<sup>۳</sup> و بهره‌وری نیروی انسانی، آموزش و تربیت متناسب و مطلوب است. در جوامع جدید، آموزش مادر علم و علم زاینده تکنولوژی و تحقق این فرآیند شرط اساسی توسعه

<sup>1</sup> Effectiveness

<sup>2</sup> Profitability

<sup>3</sup> Efficiency

درون‌زا است. بی‌شک هر جامعه‌ای که در تربیت و ارتقای تخصصی نیروی انسانی و به‌کارگیری بهینه آن ناکارآمد باشد، جز گسترش فقر، بیکاری و نابهنجاری نتیجه‌ای نخواهد برد. در رویکردهای نوین توسعه‌ای، نظیر تئوری توسعه گزینه‌ای<sup>۱</sup> (یا بدیل) و تئوری توسعه پایدار انسانی<sup>۲</sup>، نیز اساس و بنیان توسعه تربیت و آموزش متناسب نیروی انسانی است. این در حالی است که ناکارآیی و ناکامی راهکارهای اجرایی ملهم از نظریه‌های لیبرالی و نولیبرالی، نظیر نوسازی<sup>۳</sup> و نظریه‌های مقابل نظیر وابستگی<sup>۴</sup>، که غالباً بر عوامل و مؤلفه‌های دیگر مانند سرمایه و تراکم آن، واردات تکنولوژی، تمایز ساختی و نظام جهانی تأکید می‌کردند، به خوبی نمایان گشته است.

در دیدگاه‌های نهادگرایی نوین، بر این مهم تأکید شده است که در نظریه‌های نوسازی، رویکردهای توسعه‌ای تعمیمی (نظیر مدل رشد اقتصادی روستو، مدل هارودومار، مدل قطب رشد فرانسوا پرو) برای همه کشورها و فرهنگ‌ها بدون توجه به گذشته تاریخی و فرهنگی آن‌ها و بر مبنای عملکرد اقتصادی آن‌ها در نظام جهانی، ارائه می‌شود و به همین علت در دهه‌های گذشته تعارضات فرهنگی و محیطی دامنه‌داری در کشورهای در حال توسعه پدیدار گشته است و این شکاف مسئله‌ای، یکی از عمده‌ترین ضعف‌های نظری و روشی آن تئوری‌ها است. به علاوه زمینه‌های خارجی توسعه و وابستگی متقابل بین‌المللی به کلی مورد غفلت واقع شده است (هتن، ۱۹۹۷: ۱۱۲-۱۱۵).

در نظریه‌های وابستگی نیز این شکاف مسئله‌ای وجود دارد. در این نظریه‌ها بر نقش و تأثیرات منفی ساختار خارجی بر اقتصاد و اجتماع کشورهای وابسته تأکید شده است

<sup>1</sup> Alternative development theory

<sup>2</sup> Human Sustainable development theory

<sup>3</sup> Modernization theory

<sup>4</sup> Dependency theory

و اقتصاد جهانی به نحوی ساده‌انگارانه به مثابه ساختاری مرکزی - پیرامونی تلقی شده که قطبی شدن و ویژگی ذاتی آن است. علاوه بر این در این نظریه‌ها هیچ‌گونه بنیانی جهت اتخاذ راهبردهای توسعه سالم و کارآمد ارائه نمی‌شود که در نهایت اساس نظریه توسعه گردد؛ بلکه بیشتر فرآیند توسعه نیافتگی کشورهای پیرامونی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد (چلبی، ۱۳۷۵). هتن راه حل این مسئله را در اتخاذ نظریه توسعه گزینه‌ای جستجو می‌کند. از دیدگاه وی، این نظریه، توسعه را بر حسب این که چگونه باید اتفاق افتد/مورد بحث قرار می‌دهد (هتن، ۱۹۹۷: ۱۱۲). از نظر او توسعه به عنوان فعالیتی اندیشمندانه، پایان‌ناپذیر و مبتنی بر آموزش و آگاهی محلی است، زیرا «تصوراتی که از یک جامعه خوب وجود دارد توسعه را در عمل متأثر می‌سازد و این تصورات در جوامع و فرهنگ‌ها متفاوت است» (همان، ۱۳۱).

در این نظریه، توسعه ماهیتی تاریخی، نهادی و سیاسی دارد و به مثابه تاریخ طبیعی تلقی می‌شود. علاوه بر این /جهت/ و /الگوی/ توسعه در تعاملی دیالکتیکی و نوبه‌نوشونده، جرح و تعدیل می‌شود.

انگارش محوری در این نظریه این است که عمده‌ترین جهت‌گیری مسئله‌ای<sup>۱</sup> همانا در /ساز و کار آموزش و ایفای نقش‌های کارکردی نیروی انسانی/ نهفته است. در این مقاله تلاش می‌شود تا با چنین رویکردی، بخش عمده‌ای از این جهت‌گیری مسئله‌ای در مورد مشاغل کشاورزی دنبال شود و مشاغل کشاورزی برآن اساس بررسی و تحلیل شوند. شکی نیست، آموزش نامتناسب با نیازها و ضرورت‌های کارکردی، در دهه‌های اخیر، نه تنها بی‌کاری خیل عظیم نیروی انسانی تحصیل کرده را در پی داشته، بلکه باعث هدر رفتن هزاران میلیارد ریال از منابع کشور در سطح خرد و کلان شده است.

<sup>1</sup> Problem Orientation

از طرف دیگر پایین بودن سطح دانش و تخصص نیروی انسانی شاغل در بخش‌های کشاورزی و روستایی که نمودهای آن را در همه زمینه‌ها، از قبیل شیوه شخم‌زدن و شیوه‌های بهره‌گیری از مراتع و جنگل‌ها می‌توان به خوبی مشاهده کرد، نه تنها به بحران زیست‌محیطی منجر شده و تخریب شدید زمین‌های حاصل‌خیز (سالانه حدود ۲ میلیارد تن خاک) را در پی داشته، بلکه هدر رفتن صدها میلیارد ریال از بودجه طرح‌های آبخیزداری را هم به همراه داشته است (ترک‌نژاد، ۱۳۸۰). به علاوه، پایین بودن عملکرد در هکتار، استفاده ناصواب از مراتع و جنگل‌ها، بازدهی پایین صنایع روستایی و کشاورزی از پیامدهای موقعیتی و شرایطی<sup>۱</sup> چنین وضعیتی هستند.

بنابراین دو مسئله بنیادین در فرآیند بهبود زندگی و پیشرفت شاغلان بخش کشاورزی عبارتند از:

۱. پایین بودن سطح دانش و تخصص نیروی انسانی شاغل در این بخش.

۲. پایین بودن تطابق سطح و ماهیت آموزش‌ها با ماهیت و مقتضیات مشاغل

کشاورزی.

بر این مبنای ارتقای کمی و کیفی سطح آموزش و تخصص متناسب و مطلوب در

مشاغل کشاورزی، جهت‌گیری مسئله‌ای/ این مقاله است.

تحقق این مهم قبل از هر اقدامی، مستلزم شناخت جامع، فراگیر و واقعی از وضعیت

موجود مشاغل کشاورزی است.

۲. مبانی نظری پژوهش

از زمان‌های بسیار قدیم تا دوران انقلاب صنعتی، اغلب کارپذیران، خویش‌فرما،

کارفرما یا کارگران خانوادگی بوده و استادکاران و پیشه‌وران واحد اصلی و سلول اولیه

<sup>1</sup> Conditional

کار بودند. در هر پیشه، فرض بر این بود که کارگر بر مجموعه‌ای از دانش‌های سنتی مسلط بوده و اسلوب و روش کار را نیز می‌داند. هر کارکن مجموعه اطلاعات و دانش مربوط به مواد و شیوه‌های تولید آن پیشه بخصوص را می‌دانست و روش‌های انجام کار به تشخیص او واگذار می‌شد. کارکن به لحاظ جسمی و روانی ترکیبی از مفهوم و مهارت فیزیکی و تخصصی بود. ماهیت کار کشاورزی و دامداری نیز تلاقی و تداخل آن را با زندگی خانوادگی ایجاب می‌نمود و امتزاج محل زندگی و محیط کار از ویژگی‌های ذاتی آن بود. در آن شرایط که مجموعه آموزش شغلی و دانش فنی در طول زندگی روزمره از پدر به پسر، از مادر به دختر و از استادکار به شاگرد انتقال می‌یافت، افراد به قول ویل دورانت (۱۳۷۲: ۱-۳۳). تا ده سالگی کامل می‌شدند، یعنی هر آن‌چه را که می‌باید در مورد کار، فعالیت و کسب معیشت بیاموزند، یاد می‌گرفتند. تفکیک‌ناپذیری ساعات فراغت، تعهدات و وظایف متقابل مبتنی بر روابط شخصی بین کارفرما و کارکن، از دیگر ویژگی‌های آن بود. به موازات افزایش مازاد تولید کشاورزی و گسترش مشاغل غیر کشاورزی که خاستگاه شهری داشتند، نوع و ماهیت مشاغل و آموزش‌های شغلی نیز دگرگون گردید. ابن خلدون، حرفه و فن و تخصصی‌شدن فعالیت‌ها را از ارکان /علم عمران/ و تعدد حرفه‌ها و مشاغل و تنوع آموزش‌ها و حرفه‌آموزی‌ها در تمدن حضری را از ویژگی‌های /عمران/ برمی‌شمرد. هم‌چنین وی با تحلیل پدیده تقسیم کار اجتماعی و برشمردن فواید آن، به نقش آموزش حین کار، به ویژه در تقسیم کار سازمانی اشاره نموده است. وی حتی ظهور و افول تمدن‌ها و حکومت‌ها را در ارتباط با روحیه کار و فعالیت یا راحت‌طلبی و کسالت حکام و رعایا تبیین می‌کند و معتقد است در پایان کار حکومت‌ها، حکام به تن‌پروری و عیاشی و راحت‌طلبی خو کرده و رعایا نیز رغبتی به کار و حرفه‌آموزی، به ویژه در

فعالیت‌های کشاورزی به علت ظلم بیش از حد حکام، ندارند و در نتیجه حکومت در سراسرایی سقوط قرار می‌گیرد (ابن خلدون، ۱۳۵۲).

در وضعیت کنونی، صنعتی شدن تغییرات بنیادی را در کل ساختارهای جامعه، از جمله ماهیت کار و حرفه‌آموزی پدید آورد. از سوی دیگر، دگرگونی مهم در زمینه کار، گسترش شمول کارپذیران بود. این تحول که با ظهور نظام سرمایه‌داری و گسترش تولید کارخانه‌ای در انگلستان و متعاقباً دیگر کشورهای متقدم در فرآیند صنعتی شدن رخ داد، قسمت اعظم سیستم تولیدی را تحت مالکیت بخش خصوصی و غالباً در دست عده قلیلی برای کسب سود سازمان داد (توسلی، ۱۳۷۵: ۱۲۵). نیروی کار بایستی به دنبال کارفرمایانی باشد که حاضرند در ازای استفاده از مهارت، دانش و نیروی بدنی، دستمزدی بپردازند. از طرف دیگر، تولید کارخانه‌ای در روابط کار، ماهیت، مهارت‌ها و شیوه‌های آن، تغییرات اساسی به وجود آورد. نیروی کار در یک کارگاه یا کارخانه متمرکز شد و محل زندگی و کار از یکدیگر جدا شدند. کارکنان بایستی از نظمی که کارفرما اعمال می‌کرد، یعنی ساعات و سرعت کار منظم تبعیت می‌کردند و اگرچه به ظاهر آزاد بودند، ولی از نظر اقتصادی و اجتماعی کاملاً وابسته و تابع گردیدند (همان، ۱۵۶). با ظهور مدیریت علمی کار یا تیلوریسم، اصل /مهارت قابل فروش/ به عنوان عامل مشخص‌کننده مزد کارکنان تعیین شد (ابطحی، ۱۳۷۲: ۶۹).

ظهور و گسترش نظام تولید کارخانه‌ای که با به صحنه آمدن نیروی ماشین، باعث آموزش تخصصی‌تر و مستمر و تقسیم گسترده‌تر و سازمان‌یافته کار و تخصصی شدن تقسیم کار به اجزای بسیار کوچک گردید (جزنی، ۱۳۷۵: ۷۵)، توجه نظریه‌پردازان و اندیشمندان اجتماعی را برای یافتن انتظام نوین جامعه مدرن با تأکید بر تعلیم و تربیت و کار و فعالیت در پی داشت (ریمون آرون، ۱۳۶۳). به گونه‌ای این دو مؤلفه مهم با

ماهیتی جدید، در دیدگاه اغلب جامعه‌شناسان از جمله اگوست کنت، اسپنسر و سمبارت، دورکیم، پارسونز و گیدنز تبلور داشته است.

پارسونز (۱۹۶۷) در تحلیل و تبیین نظام اجتماعی و ساخت کنش اجتماعی، هم از بعد نظری و هم از جنبه عملی و انجام تحقیقات تجربی دارای آثار فراوانی است. وی در نخستین مقاله خود ویژگی‌های عمده دنیای کسب و کار را بررسی و تبیین کرد. او در این مقاله و آثار بعدی، به نقش استراتژیک مشاغل در دنیای مدرن و ماهیت و خصوصیات آن در چارچوب متغیرهای الگویی<sup>۱</sup> پرداخت و تعاملات آن را در سطح خرد و کلان و در درون نظام اقتصادی و ارتباط متقابل آن به مثابه عنصری از نظام اقتصادی بررسی نمود. وی هم‌چنین ارتباط با درون نظام‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی و کل نظام اجتماع جامعه‌ای را به تفصیل و در ترکیبی پویا از دیدگاه‌های جامعه‌شناسان، اقتصاددانان و علمای روان‌شناسی تشریح و تبیین نموده است. پارسونز با نقد دیدگاه‌های پیشین، نظریه ارادی‌کنش خود/را که ترکیبی پویا و بدیل از مفاهیم و مفروضات سودمند فایده‌گرایی پارتو، اثبات‌گرایی دورکیم و ایده‌گرایی وبر است، تشریح می‌کند. پارسونز کنش انسانی را رفتاری معنی‌دار و هدفمند می‌داند که در درون روابط اجتماعی نمود می‌یابد (پارسونز، ۱۹۶۷: ۷۱۷).

قانون دوم تکامل از نظر پارسونز، قانون سلسله‌مراتب سیررنتیکی است که آموزش مهم‌ترین مؤلفه آن است. وی با چارچوب نظام نظری به بررسی و تحلیل ماهیت و ویژگی‌های کسب و کار در جوامع مدرن پرداخت. هدف او در این مطالعات پیمایشی، یافتن ویژگی‌هایی بود که کل دنیای کسب و کار را - اعم از مشاغل آزاد و مشاغل صاحبان صنایع، بانک‌داری و بازرگانی - نمایان سازد. وی در اولین مقاله، سه ویژگی

<sup>1</sup> Pattern variables



عمده دنیای کسب و کار را در جامعه صنعتی مدرن در مقایسه با جوامع ماقبل صنعتی به صورت زیر برمی‌شمرد:

(الف) عقلانیت در مقابل سنت گرایی .

(ب) ویژگی کارکردی در مقابل تداخل.

(ج) عام‌گرایی در مقابل خاص‌گرایی (از کیا و غفاری، ۱۳۸۴: ۱۸۰).

وی نشان داد که سه ویژگی عقلانیت، کارکردی بودن و عام‌گرایی میان همه مشاغل و حرف مشترک است و حضور توأمان این سه متغیر:

۱. دنیای کسب و کار را از سایر نهادهای اجتماعی متمایز می‌کند.

۲. تفاوت‌های عمده کسب و کار در دنیای صنعتی را با دنیای ماقبل صنعتی

مشخص می‌سازد (همان، ۱۷۹).

پارسونز در مقاله بعدی که حرفه پزشکی را تحلیل کرد، متغیر چهارمی تحت عنوان /نبی‌طرفی عاطفی/ در برابر /طرفداری عاطفی/ که خاص جوامع سنتی است، بدان اضافه کرد و در مطالعات بعدی دو متغیر اکتساب در مقابل انتساب، و نفع شخصی در مقابل منافع جمعی را بدان‌ها افزود (ترنر، ۱۳۷۲: ۴۹-۵۲).

متغیرهای ساختاری مزبور تحت عنوان /متغیرهای الگویی/ برای بیان ویژگی‌های کلیه نظام‌های کنش توسط وی به کار گرفته شد و برحسب نظام مورد تحلیل، تصمیمات کنش‌گران، جهت‌گیری‌های ارزشی فرهنگی، و خواسته‌های هنجاری از نقش‌های منزلتی، در تبیین نظام کنش به کار رفت (گی‌روشه، ۱۳۷۶).

مطالعات پارسونز در مورد حرف و مشاغل و دنیای کسب و کار، نقشی مهم در تدوین مدل نظری وی داشت. البته این مطالعات فقط به دلیل علایق نظری او نبود، بلکه او از دیرباز بر این عقیده بود که تخصصی‌شدن فزاینده مشاغل در دنیای کار و نقش مسلط مشاغل از جمله ویژگی‌های مهم دنیای صنعتی است.

پارسونز شغل را چنین تعریف کرده است:

هرگونه اشتغالی که پرداختن به آن نیازمند دوره‌های آموزشی نظری یا عملی و کارآموزی‌های بالینی به صورت‌های گوناگون باشد شغل نامیده می‌شود. به تعبیری دیگر، شغل، کاربست بخش خاصی از ذخیره فرهنگی در راستای هدف‌های مفید برای جامعه است. به همین سبب، اشتغال به هر حرفه، تحت نظارت خاص یک اتحادیه یا سازمان صنفی است. در جامعه صنعتی شاهد ظهور مشاغل جدید و تخصصی شدن مشاغل قدیمی هستیم، در حالی که در جامعه ماقبل صنعتی، تعداد شغل‌ها محدود و معدود و دارای ویژگی‌های خاصی بود که در چارچوب متغیرهای الگویی مورد بحث واقع می‌شوند.

از نظر /پارسونز/، با تعدد مشاغل، توقعات علمی و فنی کار افزایش می‌یابد و به ظهور /مجتمع‌های شغلی/ منجر می‌شود و این وضعیت یعنی تنوع و کثرت مشاغل تخصصی، ساختار جامعه صنعتی، خاصه ساختار شغلی آن را تغییر داده و پیامدهایی را در پی خواهد داشت که صرفاً جنبه اقتصادی ندارند. این مشاغل هستند که کادر رهبری سیاسی و فرهنگی را در جامعه صنعتی مدرن عرضه کرده و عنصر اصلی ساختار جامعه صنعتی را تشکیل داده و جای بورژوازی سرمایه‌داری را می‌گیرند. این صاحبان مشاغل هستند که با ایفای نقشی پویا در جامعه، کارکردهای سیاسی طبقه سرمایه‌دار رهبری قرون هجدهم و نوزدهم را عهده‌دار می‌شوند. اعتقاد /پارسونز/ به نقش استراتژیک مشاغل، وی را برانگیخت تا به تحقیقی تجربی درباره دانشگاه‌های امریکا بپردازد. وی در پی این تحقیق، در مقاله‌ای جدلی با طرحی به مخالفت برخاست که بنا داشت در خارج از دانشگاه، مدارس برای آماده‌سازی شغلی ایجاد کند (پارسونز، ۱۹۷۶).

پارسونز/ براساس نقش عمده و والایی که مشاغل در جامعه صنعتی مدرن دارند، بر این عقیده بود که مشاغل و دانشگاه‌ها باید در ارتباط تنگاتنگ با یکدیگر قرار گیرند.

وی هم‌چنین تأثیرات آموزش و تخصص‌گرایی مشاغل و توسعه دیوان‌سالاری را در جامعه‌پذیر نمودن نسل جدید، با ارزش‌های مسلط جامعه، به ویژه ارزش‌های دنیای کار از قبیل عقلانیت، عام‌گرایی، تمایز، اکتساب و بی‌طرفی و تربیت کادرهای عالی تشریح کرده است. ابعاد کنشی شغل در نظریه پارسونز عبارتند از: بعد فرهنگی - کنشی شاغلان، بعد اجتماعی - کنشی شاغلان، بعد هدف‌جویی ماهیت شغل و بعد سازگاری امکانات و ابزار. هم‌چنین مؤلفه‌های شغلی متناظر عبارتند از: محتوای شغل، شرایط احراز شغل، ویژگی شاغلان، انطباق پویا (پارسونز، ۱۹۷۶).

در این مقاله رویکرد پارسونزی در ارتباط با تحلیل مشاغل اتخاذ شده و تلاش می‌شود وضعیت کار و شغل در بخش‌های کشاورزی ایران با استفاده از مدل مفهومی و نظری پارسونز بررسی و تبیین شود.

### ۳. روش‌شناسی پژوهش

داده‌های مورد استفاده در این مقاله از تحقیقی به دست آمده که با روش پیمایشی و با مصاحبه ساختمان‌د و مشاهده منظم انجام شده است. جمعیت آماری شامل همه مشاغل کشاورزی است که تاکنون با استفاده از روش‌های اسنادی و پیمایشی شناسایی گردیده‌اند. مجموعه مشاغل کشاورزی شناسایی شده در مقوله /مشاغل موجود/، معادل ۲۲۲۴ مورد است که به اضافه مشاغل پیشنهادی، بالغ بر ۲۸۸۱ شغل روستایی و کشاورزی تاکنون شناسایی شده‌اند.

جهت تعیین حجم نمونه آماری، مراحل و اقدامات زیر صورت گرفته است:

- تهیه سیاهه مشاغل در هر یک از بخش‌های شش‌گانه.

- استخراج مشاغل خصوصی و مشترک دولتی - خصوصی.
- بازنگری مجدد مشاغل مزبور و تهیه سیاهه نهایی.
- رتبه‌بندی<sup>۱</sup> و اولویت‌بندی مشاغل جهت بررسی تفصیلی براساس اعتبار صوری<sup>۲</sup> و اعتبار اسنادی<sup>۳</sup>.
- استخراج مشاغل نیازمند به برخورداری از استانداردهای آموزشی.
- تعیین حجم مشاغل مورد بررسی که معادل ۳۰۰ شغل است.
- برآورد حجم نمونه با سطح اطمینان ۹۵ با استفاده از فرمول

$$n = \frac{t^2 s^2 N}{Nd^2 + t^2 s^2}$$

- تعیین نمونه‌ها: نمونه‌ها با روش نمونه‌گیری تصادفی و خوشه‌ای از بین روستاهای دارای سکنه و مکان‌ها و مزارع (۴۵۰۰۰ واحد) انتخاب می‌شوند (مرکز ده‌های ایران، ۱۳۸۵). حجم نمونه ۱۸۵۳ واحد شده است.

۳. ۱. مراحل عملیات میدانی تجزیه و تحلیل مشاغل کشاورزی و روستایی  
مرحله اساسی و بنیادین طرح، یعنی گردآوری اطلاعات میدانی با استناد به جمعیت آماری فعالیت‌های عمده کشاورزی و روستایی، که در بیش از ۳۰۰ عنوان و همه روستاهای کشور مقوله‌بندی شده‌اند، و نمونه‌های آماری به دست آمده و هم‌چنین پس از پیش‌آزمون چارچوب اندازه‌گیری و آموزش مصاحبه‌گران، بر مبنای راهنمای عملیات میدانی، آغاز گردید.

جهت‌گیری عمده در گردآوری اطلاعات میدانی، گروه‌های زراعت و باغبانی، دام و طیور، شیلات و آبریان، منابع طبیعی، صنایع کشاورزی و روستایی بود. علاوه بر این،

<sup>1</sup> Ranking

<sup>2</sup> Formal Validity

<sup>3</sup> Documental Validity

۳۰۰ عنوان شغلی که عمده‌ترین و اساسی‌ترین موارد جهت تدوین استاندارد آموزشی هستند، تعیین و تجزیه و تحلیل شدند.

در مجموع ۱۸۵۳ واحد نمونه بررسی شدند؛ یعنی در مورد هر شغل به طور متوسط ۶ واحد نمونه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. مشاغل از ابعاد زیر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند: بعد محتوایی، بعد ماهیتی (الگویی)، بعد وضعیتی، و بعد اثباتی یا احراز شغل.

#### ۴. تجزیه و تحلیل ابعاد چهارگانه مشاغل مورد بررسی

با استفاده از روش‌های پیشرفته و چند بعدی، بالاخص تحلیل تمایزات<sup>۱</sup>، تحلیل خوشه‌ای و تحلیل عاملی، تفاوت‌ها و تشابه‌ها بین مشاغل بررسی و تحلیل گردید. بدین منظور بیش از سی مشخصه و معرف مربوط به هر شغل و شاغلان در ۱۸۵۳ واحد نمونه‌ای، پس از داده‌آمایی و سنجش صلاحیت ورود داده‌ها به تحلیل چند متغیری، وارد مدل‌های متعدد تجزیه و تحلیل چندین متغیری شدند تا تفاوت‌ها و تشابهات تبیین شوند.

#### ۴.۱. مدل تجزیه به مؤلفه‌های اصلی

بر مبنای رویکرد نظری چهار مؤلفه‌ای، هر شغل در ابعاد چهارگانه جهت‌گیری الگویی، محتوای شغلی، احراز شغل، و شروط وضعیتی تجزیه و تحلیل شد. به منظور محاسبه واریانس مشترک و تحلیل عاملی (ارزش مقیاسی در طیف لیکرت)، از روش‌ها و مدل‌های مختلف تحلیل عاملی و تحلیل خوشه‌ای استفاده شد.

<sup>1</sup> Discriminate analysis

۴. ۱. ۱. بعد محتوایی شغل

محتوای شغل در بردارنده مجموعه ساختار و فعالیت‌ها و اجزایی است که مشخصه‌ها و معرف‌های یک شغل را تشکیل می‌دهند. در مراتب طبقه‌بندی فعالیت‌های عقلانی محتوای هر شغل را می‌توان به شکل زیر دریافت:

الف) حرفه<sup>۱</sup>: حرفه عبارت است از محدودترین رشته شغلی که در نظام طبقه‌بندی دقیقاً مشخص شده است. در تعریف عملیاتی، حرفه عبارت است از گروهی از مشاغل مشابه برای مثال در نظام طبقه‌بندی مشاغل ایران، کد ۹/۵۱ به حرفه آجرچین، سنگ‌چین و کاشی‌چسبان مربوط می‌شود که دارای ۸ شغل است.

ب) شغل<sup>۲</sup>: عبارت است از وظایف مشابه مرتب‌تبی که یک نفر عهده‌دار آن است. به عنوان مثال از ۸ شغل بالا یکی از آن‌ها با کد ۵/۵۱/۲۰ مربوط به شغل آجرچین ساختمان است.

ج) وظیفه<sup>۳</sup>: هر یک از قسمت‌های یک شغل را وظیفه گویند. مثلاً در شغل آجرچین ساختمان، ساختن دیوارها، تیغه‌ها و طاق‌ها از وظایف شاغل به شمار می‌رود. د) عملیات<sup>۴</sup>: مجموعه فعالیت‌هایی که برای تحقق یک وظیفه در یک شغل توسط شاغل انجام می‌گیرد. مثلاً در وظیفه ساختن دیوارها، ریسمان‌کشی، پهن کردن ملات روی آجرها و چیدن آجرها، سه عملیات آن وظیفه به شمار می‌روند.

ه. ( مهارت<sup>۵</sup>: توانایی فکری و بدنی و تخصصی انجام هر عملیات را مهارت هر عملیات دربرگیرنده یک یا چندین مهارت است. به عنوان مثال عملیات پهن کردن ملات، به مهارت‌های ماله‌کشی، تراز سطح، قطر مساوی ملات در تمام سطح و... وابسته

<sup>1</sup> Occupation

<sup>2</sup> Job

<sup>3</sup> Task

<sup>4</sup> Operation

<sup>5</sup> skill

است. بدین ترتیب هر حرفه مشتمل بر چندین شغل و هر شغل دربرگیرنده چندین وظیفه و هر وظیفه شامل چندین عملیات و هر عملیات در بردارنده چندین مهارت است و هر مهارت از عناصری تشکیل شده است.

#### ۴. ۱. ۲. مؤلفه ماهیت شغلی

نوع و ماهیت مشاغل نه تنها می‌توانند ترجمان وارستگی و استقلال فردی، درجه توسعه یافتگی جامعه و سطح عقلانیت نهادی شده باشند، بلکه مشخصه‌ها و ویژگی‌های هر شغل و شاغلان آن، تغییرات و تحولات جامعه و هم‌چنین جهت‌گیری‌ها و چشم‌اندازهای آینده شغلی را به وضوح نشان می‌دهند.

در این پژوهش با تحلیل عاملی معرف‌ها و مشخصه‌هایی مانند سطح اکتسابی و انتسابی بودن، سطح تجربه و تخصص در ایفای نقش‌های شغلی، میزان تداخل وظایف شغلی با سایر نقش‌های اقتصادی، میزان تداخل وظایف شغلی با سایر فعالیت‌ها، میزان تمایز بین اوقات کاری و اوقات فراغت، میزان تداخل محل کار و محل سکونت، سطح کمک و یاری اعضای خانواده در ایفای وظایف شغلی؛ از مجموع هشت عامل اولیه، یک عامل دارای مقدار ویژه بالای یک و در واقع بیشترین واریانس است. این عامل اساسی که مجموع مجذورهای بارهای عاملی آن و یا مقدار ویژه آن معادل  $6/182$  است و  $77/2$  درصد از واریانس کل را تبیین می‌کند، /مؤلفه جهت‌گیری الگویی مشاغل/ نامیده شد.

#### ۴. ۱. ۳. مؤلفه شروط وضعیتی

منظور از شروط وضعیتی، مجموعه ساختارها، وضعیت‌ها و عناصری است که هم بر شغل و ماهیت مشاغل و هم بر شاغل و شرایط احراز شغلی، مؤثر هستند و دامنه تغییرات آن‌ها نیز از شغلی به شغل دیگر متفاوت است.

معرف‌های این مؤلفه که برای تعیین آن‌ها از مدل‌های پیشرفته آماری استفاده شده است، عبارتند از:

- سطح اهمیت بهداشت و ایمنی در شغل،
- سطح اهمیت نظارت و سرکشی فنی در شغل،
- نوع ابزارها و تجهیزات در اختیار برحسب ایفای نقش‌های شغلی،
- چگونگی استفاده از ابزارها و تجهیزات در شغل،
- احتمال بروز خسارات و نوع خسارات ناشی از اشتباهات شغلی،
- احساس رضایت از عواید حاصل از ایفای نقش‌های شغلی،
- احساس امنیت شغلی.

به لحاظ نظری، دامنه تغییرات مشاغل برحسب شروط وضعیتی از حداکثر وابستگی طبیعی و غیرارادی به شرایط و عناصر محیطی و وضعیتی، تا حداکثر استقلال و کنترل ارادی متغیر است. به عبارت دیگر، در برخی مشاغل شرایط و وضعیت طبیعی و ساختاری بر شغل حاکم است، و شاغل سعی در انطباق با شروط وضعیتی دارد، مانند کتیراکنی، عدس کاری، نخودکاری، گوسفندداری سنتی، پرورش دام و طیور به روش خانگی و ... در این نوع مشاغل:

۱. اصل خطر مثلاً خشک‌سالی، بروز بیماری، کم‌آبی، تغییرات آب و هوایی مهم است؛
۲. محیط و ساختارهای خارج از کنترل مهم‌تر از اقدامات شاغلان بوده و شاغلان کاملاً وابسته به محیط هستند؛
۳. عواملی بر کاهش وابستگی به محیط و افزایش ضریب ایمنی و بازدهی تأثیر می‌گذارند، نظیر استفاده از ابزارها و وسایل مدرن، استفاده از وسایل ایمنی، ارتقای



بهداشت کار، نظارت و سرکشی فنی، حداقل امکانات، در ایفای نقش‌های شغلی تأثیر می‌گذارند.

در مقابل، در مشاغل دیگر نظیر مدیریت فنی مرکز تکثیر ماهیان گرم‌آبی، متصدی تغذیه ماهیان، تولید نهال در خزانه، مدیریت فنی واحد پرورش مرغ گوشتی، کاربری دستگاه‌های بسته‌بندی شیر، پنیر، ماست:

۱. احتمال بروز خطر مهم است و نه اصل خطر. به عبارت بهتر در این نوع مشاغل، کنترل‌های محیطی به صورت آگاهانه و برنامه‌ریزی شده و از قبل صورت گرفته و خطرات پیش‌بینی شده و انطباق صورت گرفته است. لیکن احتمال خطر وجود دارد. مثلاً در مراکز تکثیر ماهیان، کنترل و انطباق با محیط پیش‌بینی و برنامه‌ریزی شده است، با این حال، احتمال بروز خطرات پیش‌بینی نشده وجود دارد؛

۲. ایمنی و بهداشت محیط کار مورد توجه و برنامه‌ریزی قرار گرفته است؛

۳. نظارت و سرکشی فنی وجود دارد؛

۴. از امکانات و ابزارهای نوین استفاده می‌شود؛

۵. و در نهایت این‌که، احساس امنیت شغلی در سطح بالایی قرار دارد.

۴. ۱. ۳. ۱. مشخصات تحلیل عاملی

داده‌های مربوط به مشاغل با روش تجزیه به مؤلفه اصلی و روش چرخش وریماکس تحلیل عاملی شدند.

جدول ۱. مقدار واریانس تبیین شده

مقادیر ویژه *			مجموع مجذور بارهای عاملی **		
کل	درصد	درصد تراکمی	مقدار	درصد واریانس	درصد تجمعی
۵/۱۵۳	۷۳/۶۱	۷۳/۶۱	۵/۱۵۳	۷۳/۶۱	۷۳/۶۱
۰/۷۲	۱۰/۲۸۶	۸۳/۹۱۶			
۰/۶۳	۹/۱۴	۹۳/۰۵			
۰/۲۱	۳	۹۳/۰۵			
۰/۱۸	۲/۵۷	۹۷/۰۹			
۰/۱۰	۱/۴۳	۹۸/۶۲			
۰/۰۷	۱/	۹۹/۶۲			

همان گونه که در جدول ۱ ملاحظه می شود، از مجموع هفت عامل اولیه، یک عامل دارای مقدار ویژه بالای یک و در واقع بیشترین واریانس است. این عامل اساسی که مجموع مجذور بارهای عاملی آن و یا مقدار ویژه آن معادل ۵/۱۵۴ است، ۷۳/۶ درصد از واریانس کل را تبیین می کند. در این پژوهش، این عامل ٪مؤلفه شرایط محیطی و وضعیتی شغل نامیده شد<sup>۱</sup>.

جدول ۲. ماتریس همبستگی بین هر یک از معرف ها با مؤلفه جهت گیری الگویی

معرف ها	مؤلفه
۱	۰/۸۳۲
۲	۰/۷۶۸
۳	۰/۷۹۲
۴	۰/۸۳۵
۵	۰/۹۳۳
۶	۰/۸۶۷
۷	۰/۸۵۶
۸	۰/۸۷۶

\* Initial eigenvalues

\*\* Sum of squared loading

<sup>۱</sup>. گفتنی است که مجموع مجذور بارهای عاملی (Factor Loadings) همان مقدار ویژه (Eigen-values) است و بارهای عاملی نشان گر میزان همبستگی هر یک از معرف ها با عامل یا عامل هاست.

## وضعیت الگویی مشاغل کشاورزی در ایران

با اجرای مدل تحلیل عاملی، هشت معرف از مشخصه‌های شغلی، روی یک عامل قرار گرفتند و بیش از ۷۳ درصد واریانس کل را تبیین نمودند. این عامل اساسی و بنیادین / مؤلفه جهت‌گیری الگویی شغلی / نامیده شده است که تحولات شغلی از سنتی به مدرن را نیز نشان می‌دهد. در اندازه‌گیری این مؤلفه، معرف‌ها به صورت طیف طراحی شدند.

بر این اساس، در مرحله بعدی نمرات عاملی<sup>۱</sup> / جهت‌گیری الگویی شغل / را به دست آورده و آن‌گاه با ذخیره نمودن مقادیر رگرسیونی عامل با نام جدید، به مقوله‌بندی مقادیر رگرسیونی ۱۸۵۳ واحد نمونه‌ای پرداخته شد و مجدداً به صورت رتبه‌ای استخراج گردید. در جدول ۲ ماتریس همبستگی بین هر یک از معرف‌ها با مؤلفه جهت‌گیری الگویی آمده است. هم‌چنین نتایج حاصل از توزیع فراوانی عامل جدید در جدول ۳ آمده است.

این مراحل جهت استخراج مؤلفه‌های دیگر و رسیدن به مؤلفه‌های شرایط احراز شغل و شروط وضعیتی آن نیز طی گردید، لیکن جهت پرهیز از اطاله کلام بدون توضیح جزئیات، نتایج مراحل عملیات آماری آورده می‌شود.

جدول ۳. توزیع فراوانی بر مبنای مقادیر رگرسیونی رتبه‌بندی شده تحلیل عاملی مؤلفه شرایط محیطی و وضعیتی شغل

مقادیر	نوع	فراوانی	درصد خالص	درصد تجمعی
۰ تا ۱۰	کاملاً سنتی	۱۳۲	۷/۱	۷/۱
۱۰-۲۰	سنتی	۳۲۷	۱۷/۷	۲۴/۸
۲۰-۳۰	گذار	۵۲۸	۲۸/۵	۵۳/۳
۳۰-۴۰	۵۱۶ نوین	۵۱۶	۲۷/۸	۸۱/۱
۴۰-۵۰	کاملاً نوین	۳۵۰	۱۸/۹	۱۰۰
جمع		۱۸۵۳	۱۰۰	-

<sup>1</sup> Factor scores

همان گونه که در جدول ۳ ملاحظه می شود مقادیر آن از طیف لیکرت به دست آمده و با مقادیر رگرسیونی تحلیل عاملی نیز همبستگی مثبت و بالا ( $r=0/91$ ) دارد؛ ۷/۱ درصد از واحدهای نمونه‌ای دارای مشاغل کاملاً سنتی (مثل گندم کار دیم در مناطق روستایی شهرستان بوکان و نقاط پرشیب زاگرس) با ویژگی‌های زیر هستند:

- سطح اهمیت بهداشت و ایمنی در شغل پایین است،
- نظارت و سرکشی فنی در شغل نادر است،
- نوع ابزارها و تجهیزات در اختیار برحسب ایفای نقش‌های شغلی ابتدایی و سنتی است،
- استفاده از ابزارها و تجهیزات در شغل بر اساس تجربه سنتی است،
- احتمال بروز خسارات و نوع خسارات زیاد است،
- احساس رضایت از عواید حاصل از ایفای نقش‌های شغلی بسیار پایین است،
- احساس امنیت شغلی کم است.

گندم کار دیم شغل را از پدر به ارث برده است، تداخل بین اوقات کاری و فراغت او نمایان است، فاصله مکانی بین محل سکونت و محل کار وی بسیار کوتاه است. وسایل کار وی کاملاً سنتی است (خیش و گاو...) و در محل سکونت وی نگهداری می شود، فرد علاوه بر گندم کار دیم، دامدار، فروشنده خواروبار و راننده هم هست، اعضای خانواده نیز در کارها به او کمک می کنند. سن بالا و بی سواد و ویژگی‌های اصلی زراعت دیم (و حتی کشاورزی) است. تداخل بین وظایف و عملیات شغل گندم کار دیم و سایر فعالیت‌های فرد کاملاً بارز است. مثلاً وقتی به شهر مسافرت می کند، هم برای بوجاری گندم اقدام می کند و هم خواروبار خریداری می کند و هم برای دامها دارو تهیه می کند. علاوه بر آن، بخش عمده‌ای از مشاغل مرتبط با صنایع دستی، و طیور و منابع طبیعی در این مقوله هستند.

نوع دوم مشاغل را می‌توان تا حدودی سنتی تلقی نمود. البته مشخصه‌های این نوع مشاغل که ۱۷/۷ درصد فراوانی نسبی داشته است، بیشتر به مشاغل کاملاً سنتی شبیه است. لیکن برخی از معرف‌ها تغییراتی یافته‌اند. مثلاً استفاده از تراکتور جهت شخم و خرمن‌کوبی رواج یافته است و یا صاحبان مشاغل دارای سواد خواندن و نوشتن هستند و یا در برخی کلاس‌های ترویجی شرکت کرده‌اند. با وجود این، بر اساس مشخصه‌های اصلی نظیر تداخل وظایف شغلی با سایر فعالیت‌ها و اوقات فراغت، تداخل محل سکونت و محل کار، انتسابی بودن شغل، تکیه فرد بر تجربه (تا تخصص)، این مشاغل مشابه مشاغل کاملاً سنتی هستند. نخودکاری، عدس‌کاری، جوکاری، صیادی در رودخانه‌های داخلی و با استفاده از تور، ارزن‌کاری، انجیرکاری دیم، در زمره این مشاغل هستند.

نوع سوم که بیشترین فراوانی را دارا می‌باشند، مشاغل در حال گذار از وضعیت مشاغل سنتی به وضعیت پیشرفته و مشاغل نوین است که بیش از ۲۸ درصد از واحدهای نمونه‌ای در این مقوله قرار گرفته‌اند. شالی‌کاری، مشاغل مرتبط با صیفی‌جات و محصولات جالیزی، باغ‌داری انگور، سیب‌کاری، پسته‌کاری، گردوکاری، توت‌کاری، چای‌کاری، گل‌کاری، در زمره این نوع مشاغل هستند. عمده‌ترین مشخصه این مشاغل استفاده از وسایل و ابزارهای مختلط است (هم سنتی و هم مدرن)؛ مثلاً در مشاغل فوق هم از روش‌های سنتی در عمل‌آوری محصول استفاده می‌شود و هم از انواع سموم دفع آفات و بارورکننده‌ها و ابزارهای جدید استفاده می‌کنند.

نوع چهارم، مشاغل نسبتاً جدید و نوین هستند. این مشاغل نیز حجم زیادی از فراوانی واحدهای نمونه‌ای را که بالغ بر ۲۷ درصد است، در سراسر کشور شامل می‌شود.

در این نوع مشاغل، تمایز محل کار از محل سکونت، تمایز وظایف شغلی، تمایز اوقات کاری و فراغت، تکیه بر تخصص و آموزش، و اکتسابی بودن از ویژگی‌های بارز هستند. نمونه‌هایی از این مشاغل عبارتند از، مدیریت فنی پرورش ماهیان گرم‌آبی و اردک (توامان)، سرپرستی مرکز تکثیر ماهی، میگو، ... فراوری و بسته‌بندی عسل، پروراندی صنعتی گاو، گوساله، آبخیزداری، عمل‌آوری گیاهان دارویی، شاغلان مجتمع‌های کشت و صنعت، کشتارگاه‌های صنعتی و مراکز و مزارع نوین، پرورش طیور، ماهی، میگو و... . آنچه این مشاغل را از مشاغل کاملاً نوین متمایز می‌کند، سطح تحصیلات و تخصص شاغل است، به گونه‌ای که در مشاغل کاملاً نوین شاغلان اپراتور و یا دارای تحصیلات عالی و تکنسین، کارشناس و بالاتر هستند. مثلاً کاربران دستگاه بسته‌بندی شیر، پنیر، ماست، بازرسی فنی مراتع، بهداشت یار گاو، مامای گوسفند و گاو، اپراتور تله فریک، نقشه‌بردار و ارزیاب جنگل و... در زمره این نوع مشاغل هستند.

برخلاف مشاغل سنتی، در این مشاغل:

- سطح اهمیت بهداشت و ایمنی در شغل بالا است،
- نظارت و سرکشی فنی در شغل معمول و زیاد است،
- ابزارها و تجهیزات در اختیار برحسب ایفای نقش‌های شغلی مدرن و تخصصی است،
- استفاده از ابزارها و تجهیزات در شغل، علمی و تخصصی و نیازمند آموزش است،
- احتمال بروز خسارات و نوع خسارات ناشی از اشتباهات شغلی بسیار کنترل شده است،
- احساس رضایت از عواید حاصل از ایفای نقش‌های شغلی بالا است،

- احساس امنیت شغلی بالا است.

نتایج نهایی تحلیل با اصلاحات آماری و تحلیل چند بعدی / مؤلفه جهت‌گیری الگویی شغلی / به شرح زیر است:

الف) مشاغل ۸/۲ درصد از جامعه مورد بررسی، وابستگی شدید به شروط وضعیتی و محیطی دارند، نقش‌های شغلی در وضعیتی طبیعی (تابع شرایط محیط) و بدون نظارت و سرکشی، در غیاب بهداشت و ایمنی نوین، نبود احساس امنیت شغلی و با استفاده از ابزارهای سنتی و ابتدایی، ایفا می‌شوند. مشاغلی که با کشاورزی دیم و در مناطق کوهستانی و کوهپایه‌ای مرتبط هستند مانند گندم‌کاری دیم، جوکاری دیم، کوچ‌گری و رمه‌گردانی، در این مقوله قرار دارند.

ب) ۴۵ درصد از واحدهای نمونه‌ای نیز دارای مشاغل وابسته به شرایط محیطی و شروط وضعیتی بوده‌اند.

ج) در بیش از ۴۵ درصد از واحدهای نمونه‌ای، ایفای نقش‌های شغلی به گونه‌ای است که شاغل باید خود را با شروط وضعیتی و محیطی سازگار نماید. در واقع نه تنها ماهیت این نوع شغل‌ها اقتضا می‌کند که شاغل شرایط غیر ارادی و کنترل نشده را بپذیرد و بر مبنای اصول و مقتضیات محیطی و ساختاری به ایفای نقش‌های شغلی بپردازد، بلکه در تصمیم‌سازی‌ها و برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای (نظیر آنچه در کشورهای پیشرفته تحقق یافته است) نیز این نوع مشاغل، حاشیه‌ای شده و در معرض افول قرار دارند. به عنوان مثال مشاغل مربوط به زراعت، باغداری دیم و مرتع‌داری سنتی در مناطق روستایی واقع در نواحی شیب‌دار زاگرس، از چنین ویژگی‌هایی برخوردار هستند.

د) در ۳۶ درصد از مشاغل نیز فرآیند گذار از وابستگی به شرایط محیطی و وضعیتی، به مدد بهره‌گیری از تکنولوژی و ابزارهای نوین آغاز شده است. در این نوع

مشاغل، بهداشت و ایمنی در حال گسترش است، بروز خطر در سطح پایین است، پدیده‌های جوّی و اقلیمی در حال کنترل و مدیریت هستند، مشاغل مرتبط با کشاورزی آبی با استفاده از آب چاه‌های عمیق و نیمه عمیق، سدها و نهرهای مدرن، انواع پرواربندی‌های دامی، پرورش آبزیان با احداث استخرها و به‌کارگیری تکنولوژی‌های نوین در این زمره قرار دارند.

ه. (در مجموع بیش از ۸۰ درصد واحدهای مورد بررسی را مشاغل تحت شرایط محیطی و شروط وضعیتی تشکیل می‌دهد، این وضعیت علاوه بر این که با ماهیت مشاغل کشاورزی و روستایی مرتبط است، به پایین بودن سطح تکنولوژی و تخصص در این گونه مشاغل هم مرتبط است.

و) در کل واحدهای مورد بررسی، کمتر از ۲۰ درصد در مشاغل فعالیت داشته‌اند که از نظر شروط وضعیتی و شرایط محیطی نسبتاً مستقل بوده یا دارای استقلال فعال<sup>۱</sup> بوده‌اند. در این نوع از مشاغل که از تکنولوژی مدرن استفاده می‌شود، نظارت و سرکشی فنی وجود دارد، بهداشت، ایمنی و امنیت در شغل نهادی شده است، خطرات محدود شده و احتمال خطر در حال افزایش است، و احساس رضایت و احساس امنیت شغلی وجود دارد، حداکثر استقلال از محیط و وضعیت‌های متغیر دیده می‌شود. هم‌چنین کنترل و مدیریت وضعیت‌ها و محیط (خطرات، جبرهای محیطی) از ویژگی‌های بارز سازمان کار و ماهیت این نوع مشاغل است.

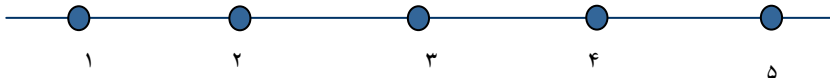
در مشاغل مرتبط با کشاورزی و جامعه روستایی، چنین مشاغلی بسیار محدود (حدود یک پنجم) است و عمدتاً در کارگاه‌ها، کارخانجات و صنایع مدرن کشاورزی نظیر کارخانه‌های فرآوری و بسته‌بندی مواد لبنی، گاو‌داری‌ها و مرغ‌داری‌های صنعتی و... مصداق دارد.

<sup>1</sup> Active



۴. ۱. ۴. مؤلفه شرایط احراز شغل

در این مرحله با تحلیل چندبعدی و پس از اجرا نمودن مدل‌های متعدد بررسی تفاوت‌ها و تشابه‌ها براساس داده‌های ۱۸۵۳ واحد مورد بررسی، مشخصه‌هایی که دارای بیشترین واریانس مشترک و بیشترین نقش در احراز مشاغل بودند عبارت‌اند از: علاقه به شغل مورد بررسی، تجربه در شغل مورد بررسی، سطح تحصیلات و سواد، آموزش حین کار در ارتباط با عملیات و نقش‌های شغل مورد بررسی، مهارت و تسلط در ایفای نقش‌های شغلی، همکاری اعضای خانواده در ایفای نقش‌های شغلی، سلامت جسمانی جهت ایفای نقش‌های شغلی، تمرکز حواس در سطح ایفای نقش‌های شغل مورد بررسی، نقش خلاقیت و نوآوری در ایفای نقش‌های شغلی مورد بررسی، درک احساس علاقه‌مندی دیگران به شغل مورد بررسی. این معرف‌ها به صورت طیف از حداقل (ضعیف) به حداکثر (شدید) باز تعریف شده‌اند.



به لحاظ نظری، احراز شغل تابعی از توانایی‌های فکری، هوشی، مهارتی، تخصصی، تحصیلی، تجربی و بدنی از یک طرف و انگیزش‌ها و تمایلات کاری شاغل، از طرف دیگر است. بر مبنای این دو مجموعه از عناصر می‌توان چهار وضعیت مندرج در جدول ۴ را برای هر شغل پیش‌بینی نمود.

جدول ۴. ویژگی‌های چهارگانه مشاغل براساس تمایل و توانایی شاغل

شرایط احراز	توانایی	تمایل
ناخواسته و ناتوان	-	-
ناخواسته و توانا	+	-
خواسته و ناتوان	-	+
خواسته و توانا	+	+

نوع اول که همانا نبود توانایی و تمایل در احراز شغل است، مصداق عینی نداشت. با انجام تحلیل خوشه‌ای و تحلیل عاملی و وزن‌دهی به مقادیر حاصل از یک تا ۵۰ نتایج زیر به دست آمد.

در ۹/۳ درصد از مشاغل مورد بررسی، هر فردی اعم از باسواد یا بی‌سواد، با تجربه یا تازه‌کار، آموزش‌دیده یا ندیده، علاقه‌مند یا ناچار، ماهر یا ناشی... می‌تواند در آن شغل مشغول به کار شود یا آن را احراز نماید. شرط اساسی در احراز، فقط توانایی بدنی و بدنی و تجربه‌ای در سطح یک فرد ده‌ساله است. مشاغل نظیر چوپانی، ساربان، انواع دیم‌کاری گندم و جو، پرورش طیور به روش خانگی، دامداری و... در زمره مواردی هستند که عمق و گستره شرایط احراز آن‌ها بسیار پایین و محدود است و به قول ویل دورانت (۱۳۷۲: ۱-۳۳) یک نوجوان، توانایی‌های لازم را جهت ایفای نقش‌های شغلی و احراز شغل تا سن ده‌سالگی کسب کرده و شاغل کاملی شده است.

در دومین مقوله که ۱۵/۷ درصد از واحدهای مورد بررسی را تشکیل می‌دهد، هر چند شرایط احراز شغل در سطح پایینی است، لیکن در برخی از ابعاد آن بالاخص تجارب مستمر، علاقه به شغل، تحصیل، سطح همکاری اعضای خانواده، توانایی‌های جسمانی و آموزش حین کار در رتبه بالاتری قرار دارند، مثلاً مشاغل نظیر نخودکاری، عدس‌کاری، بادام‌کاری، گندم‌کاری آبی، جوکاری آبی، گلیم‌بافی، جاجیم‌بافی، فرش‌بافی، ماهی‌گیری، پروار بندی به روش‌های سنتی، چوب‌داری و... در این مقوله واقع شده‌اند.

سومین سطح مربوط به واحدهایی است که نیمی از شرایط احراز شغل را دارند، در این مقوله که ۳۴ درصد از شاغلان را شامل شده است، برای احراز شغل و ایفای فعالیت‌ها و نقش‌های شغلی، سطوحی از: سواد (حداقل در سطح ابتدایی)، علاقه به کار، تجربه، خلاقیت و نوآوری، رضایت از شغل، مهارت و تسلط بر مهارت‌های شغلی

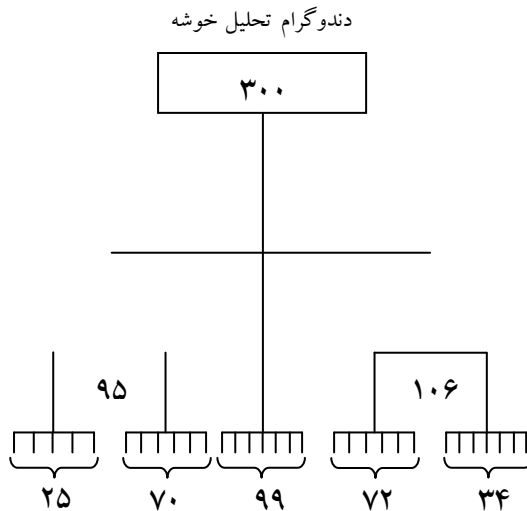
ضروری است. مشاغل مربوط با گوجه کاری، سبزی کاری، هندوانه کاری، سیب کاری، گردو کاری و پرورش مرغ گوشتی در مرغ داری های بالای ۵۰۰۰ قطعه، انواع پروار بندی های نیمه صنعتی، برخی مشاغل مرتبط با پرورش و عمل آوری آبزیان (مانند جیره بندی خوراک ماهیان) در این مقوله قرار گرفته اند.

در مقوله چهارم که شرایط نسبی احراز شغل در آن ها بالاتر از پنجاه درصد و در محدوده هفتاد و پنج درصد است، ۳۱ درصد از واحدهای مورد بررسی، قرار دارد. در ایفای نقش های شغلی این نوع از مشاغل، تحصیل، تخصص، تجربه، خلاقیت، علاقه مندی و آموزش و بازآموزی در سطح بالایی ضروری است. بسیاری از مشاغل مرتبط با پرورش ماهیان گرم آبی و سرد آبی، پرورش میگو، عمل آوری فرآورده های دامی، لبنی و شیلاتی به روش صنعتی، کشاورزی مدرن، گاو داری های صنعتی، پروار بندی های صنعتی در این گروه قرار دارند. از عمده ترین ویژگی های این مشاغل، بسط و گسترش آن ها در طول دهه های اخیر است. در این نوع از مشاغل تخصصی شدن امور و تمایز نقش های شغلی به شدت در حال اجرا است.

عالی ترین و مطلوب ترین سطح در احراز شغل، فقط ۱۰ درصد از واحدهای مورد بررسی را شامل می شود. در این مقوله، همه شرایط احراز شغل، بالاخص توانایی (بدنی، فکری، تخصصی، تحصیلات، تجربه) و علاقه (تمایل به شغل و احساس رضایت و درک احساس علاقه مندی دیگران) در بالاترین مرتبه قرار دارد. مشاغل مرتبط با کاربری دستگاه های بسته بندی مواد لبنی در کارخانجات، متصدی دستگاه های آبیاری بارانی و مشاغل کارخانه ای صنایع روستایی و کشاورزی در این زمره قرار دارند.

#### ۴. ۲. تحلیل خوشه‌ای مشاغل مورد بررسی

با تحلیل خوشه‌ای ۳۰۰ عنوان شغلی با استفاده از روش‌های متعدد طبقه‌بندی و تمایزات، در نهایت خوشه‌بندی همه مشاغل بر مبنای ۳۳ مشخصه، پس از انجام چندین مدل تحلیل خوشه‌ای، صورت گرفت که ویژگی‌های خوشه‌بندی و نتایج آن در نمودار زیر آمده است.



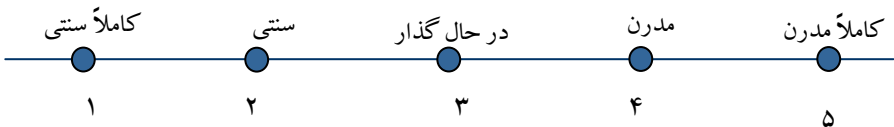
براساس میان‌گیری - مؤلفه‌های سه‌گانه شغل، برای توزیع فراوانی نسبی مشاغل از نظر سنتی یا جدید بودن، نتایج زیر حاصل گشت که با نتایج حاصل از روش‌های آماری دیگر نزدیک است:

الف) ۸/۴ درصد از مشاغل کشاورزی و روستایی مورد بررسی، بر مبنای ۳۳ معرف و ۳ مؤلفه بنیانی، کاملاً سنتی هستند، که به ویژگی‌های آنها قبلاً اشاره شد. نکته مهم این است که، این نوع مشاغل، در حال افول و نابودی هستند. بسیاری از آنها در طول دهه‌های گذشته به کلی از بین رفته و یا بسیار محدود شده‌اند. برای مثال

نعل‌بندی، خرک‌داری، پالان‌دوزی، کتیراکنی، مسگری، بز و گوسفندداری عشایر که تا قبل از سدهٔ اخیر در زمره مشاغل و فعالیت‌های معیشتی درآمدزا و فراگیر بودند و بیش از نیمی از شاغلان کشور را شامل می‌شدند (تا قبل از سال ۱۳۰۰ بیش از نیمی از جمعیت کشور، در زمره جامعه عشایری و ۹۰ درصد جمعیت کشور در جوامع روستایی و عشایری قرار داشتند) (زنجانی، ۱۳۷۸) امروزه در حال نابودی هستند (جمعیت روستایی کشور به کمتر از ۳۰ درصد و جمعیت عشایری به کمتر از ۱/۵ درصد تنزل یافته است). نمونه‌ای که به خوبی گذار از دنیای سنتی اشتغال به دنیای جدید شغلی را نمایان می‌سازد، مشاغلی نظیر نعل‌بندی و پالان‌دوزی است که تا قبل از یکصد سال اخیر در همه شهرها و مکان‌های عمده جمعیتی وجود داشت (زنجانی، ۱۳۷۱). حتی انسان‌های برجسته‌ای مثل پیر پالان‌دوز، دارای این نوع مشاغل بودند. امروزه چنین شغل‌هایی جای خود را به مشاغل نوینی نظیر پنچرگیری، صندلی ماشین دوزی و انواع تعمیرکاری‌های وسایط نقلیه داده‌اند.

ب) ۲۳/۳ درصد از مشاغل مورد بررسی در زمره مشاغل روستایی قرار دارند. این نوع مشاغل، بیش از ۷۵ درصد ویژگی‌های مشاغل کاملاً سنتی را دارند، لیکن در آغاز مرحلهٔ گذار از وضعیت سنتی به شرایط نوین قرار دارند، و در آن‌ها به کارگیری وسایل و ابزارهای پیشرفته (مثلاً استفاده از تراکتور برای خرمن‌کوبی) در حال گسترش است. به علاوه این‌که شرایط مساعدتری (در مقایسه با مشاغل کاملاً سنتی) جهت بهره‌گیری از وسایل و امکانات مدرن را دارند؛ مثلاً کشاورزان ساکن در مناطق جلگه‌ای و دشتی در مقایسه با زارعان نواحی کوهستانی و کوهپایه‌ای، هم دسترسی آسان‌تر و کم هزینه‌تری به بازار نهاده‌های کشاورزی دارند و هم اراضی کشاورزی آن‌ها، امکان استفاده از ابزارها و وسایلی نظیر کمباین را می‌دهند.

با وجود این، پایین بودن سطح تحصیلات، وابستگی شدید به شرایط اقلیمی، بالا بودن سن شاغلان، پایین بودن سطح تولید و بهره‌برداری، تداخل شغلی، تداخل کار و خانواده و ابهام شغلی از ویژگی‌های این نوع مشاغل است. بر این مبنا چنین مشاغلی در طیف پنج قسمتی، در مرحله دوم قرار دارند. در مجموع بیش از ۳۱ درصد یا حدود یک سوم از مشاغل مورد بررسی در زمره مشاغل سنتی قرار دارند. بدیهی است در طراحی استانداردهای آموزشی، ویژگی‌ها و ماهیت مشاغل بسیار مهم هستند، مثلاً در مشاغل سنتی، هم شاغلان از تحصیل و تخصص نوین برخوردار نیستند و هم میانگین شاغلان در مقایسه با شاغلان دیگر، در سطح بالایی قرار دارد.



ج) بیشترین مشاغل مورد بررسی در زمره مشاغل در حال گذار قرار دارند. این نوع مشاغل حدود ۵۰ درصد از ویژگی‌های مشاغل مدرن و ۵۰ درصد از ویژگی‌های مشاغل سنتی را دارا هستند. از جمله مشخصات اصلی این نوع مشاغل، تجربه، تخصص، آموزش شغلی، علاقه شاغل، تداخل و تمایز وظایف و فعالیت‌ها، استفاده از دانش و امکانات بومی و به‌کارگیری ابزارها و وسایل نسبتاً جدید است؛ مثلاً اغلب مشاغل مرتبط با دام‌داری‌های نیمه صنعتی (پروراندی گوساله و بره به روش نیمه سنتی) مرغ‌داری‌های چند هزار قطعه‌ای، صید و پرورش آبزیان، صیفی‌کاری، انواع زراعت‌های آبی در نواحی دشتی و جلگه‌ای.

د) مشاغل مدرن نیز ۲۴ درصد از کل مشاغل مورد بررسی را شامل شده‌اند، این نوع مشاغل بیش از ۷۵ درصد ویژگی‌های شغل‌های نوین را احراز کرده‌اند که عبارتند از: تخصص‌گرایی و تخصصی‌شدن، عام‌گرایی و جهان‌گرایی، تمایز وظایف شغلی،

عمقی شدن و محدود شدن دایره فعالیت‌های شغلی، تمایز محل کار از محل سکونت، تمایز زمان کار از اوقات فراغت، بهداشت و ایمنی، نظارت و سرکشی، اکتساب و شایستگی فردی، امنیت و ثبات شغلی، بیمه و تأمین اجتماعی، استفاده از امکانات مدرن در ایفای وظایف شغلی. با وجود این، بر مبنای معرف‌های دیگری، همین مشاغل، برخی ویژگی‌های مشاغل سنتی را نیز دارا می‌باشند. این ویژگی‌ها ممکن است ذاتی مشاغل بوده و یا ناشی از درجه توسعه‌یافتگی شغل و سازمان کار باشد. اغلب مشاغل مرتبط با دام‌پروری‌های صنعتی، مرغ‌داری‌های بالای ده‌هزار قطعه، مزارع پرورش ماهی، میگو، کشت و صنعت‌ها، کارگاه‌های کوچک فرآوری محصولات دامی و زراعی و باغی در زمره این نوع مشاغل هستند.

در برخی از این مشاغل به علت محدود بودن سازمان کار، تخصص‌گرایی و عمقی شدن وظایف شغلی کمتر و تعدد و تنوع وظایف و عملیات شغلی بیشتر از مشاغل کاملاً مدرن است و هر شاغل بالاجبار وظایف چندین فرد شاغل در سازمان‌های پیشرفته را انجام می‌دهد. مثلاً براساس مشاهدات ما در این پژوهش متصدی امور اداری، در صنایع فرآوری و بسته‌بندی شیر و مواد لبنی استان‌های غربی کشور، هم‌زمان وظایف شغلی بیش از ۵ نفر شاغل در صنایع شیر تهران را انجام می‌دهد.

همه شاغلان مورد بررسی که شغل آن‌ها در زمره مشاغل نوین قرار دارد، باسواد هستند و میانگین سن آن‌ها کمتر از گروه‌های قبلی است.

ه. ( بیش از ۱۱ درصد مشاغل (۳۴ عنوان شغلی) نیز در زمره مشاغل کاملاً نوین قرار داشته‌اند. در این نوع مشاغل، همه ویژگی‌های مشاغل نوین وجود دارد، افراد شاغل دارای تحصیلات عالیه و یا مدرک آموزش تخصصی هستند؛ مثلاً تکنسین دستگاه بسته‌بندی شیر یا کاربر دستگاه قالب‌بندی پنیر، بهداشت کار پرورش گاو شیری از ویژگی‌های مشاغل کاملاً مدرن برخوردار هستند.

با محاسبه ضرایب توافقی و همبستگی مؤلفه‌های سه گانه مؤثر در تحلیل و استاندارد آموزشی مشاغل، مشخص شد که همبستگی مثبت و معنی‌داری بین سه مؤلفه مؤثر بر تحلیل و استاندارد آموزشی مشاغل وجود دارد. به عبارت دیگر بین جهت‌گیری الگویی مشاغل (اعم از تداخل وظایف شغلی، تداخل کار و خانواده، تداخل وقت کار و فراغت، از انتساب به اکتساب، از تجربه به تخصیص، از اجبار به اختیار و...)، شروط وضعیتی (از وابستگی اقلیمی و جغرافیایی به استقلال، از خطر به احتمال خطر، از ابزار سنتی به تکنولوژی و...)، و شرایط احراز شغل (تحصیلات، تخصص، توانایی جسمی و فکری، علاقه، احساس رضایت) همبستگی مثبت و بالایی وجود دارد.

#### ۵. نتیجه‌گیری

بر اساس نتایج حاصل از آخرین سرشماری‌ها (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵) و برآوردهای نگارندگان، بیش از هفت میلیون نفر در بخش کشاورزی و جامعه روستایی فعال هستند. پایین بودن سطح تحصیلات و بالا بودن متوسط سن از ویژگی‌های بارز شاغلان بخش کشاورزی و روستایی است.

به منظور تجزیه و تحلیل ویژگی‌های مشاغل و تدوین استانداردهای آموزشی جمعیت شاغل در شش گروه عمده شغلی، شامل زراعت و باغبانی، دام و طیور، شیلات و آبزیان، منابع طبیعی، صنایع و خدمات کشاورزی، صنایع و خدمات روستایی و ۱۸۶ زیرگروه و ۲۲۲۴ عنوان شغلی شناسایی و طبقه‌بندی شده‌اند. در فرآیند تحلیل و تبیین عوامل و پیش‌شروط اثربخشی آموزش با توجه به محدودیت‌های آموزشی، ویژگی‌های الگویی هر شغل، شامل محتوا، ماهیت شغل، شرایط احراز و مشخصات شاغلان، به عنوان مهم‌ترین مؤلفه‌های تعیین‌کننده جهت‌گیری مسئله‌ای و اولویت برنامه‌ای و تأثیرگذار بر اثربخشی آموزش استخراج گردید. این کار با روش تحلیل عاملی و از طریق تجزیه به مؤلفه اصلی انجام شد.



از طرف دیگر امکانات، منابع و نیروی انسانی جهت آموزش شاغلان بخش کشاورزی و جامعه روستایی بسیار محدود است. بر اساس آمارهای موجود و برآوردها با توان آموزشی نهصد هزار نفر در روز در وزارت جهاد کشاورزی و سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای و سایر نهادها و سازمان‌ها، هر کشاورز در طول ۲۰۰ سال فقط یکبار امکان حضور در یک دوره آموزشی را دارد. بر این اساس استفاده از شیوه‌ها و فن‌آوری‌های نوین آموزشی، متناسب نمودن ماهیت و محتوای دوره‌های آموزشی، آموزش‌های متناسب و اثربخش باید از مهم‌ترین سیاست‌های آموزش کشاورزی باشد. نتایج این پژوهش ملی، تحول اساسی در فعالیت‌های بخش کشاورزی و جامعه روستایی را نشان داده است، به گونه‌ای که در قاموس دیدگاه‌های دورکیم و اسپنسر مبنی بر تلاقی و تلازم توسعه با تقسیم کار سازمانی از یک طرف و تخصصی شدن فعالیت‌ها از طرف دیگر، در بیش از دو سوم مشاغل فرآیندهای تقسیم کار و تخصصی شدن عمومیت یافته است. ظهور مشاغلی که ترجمان استقلال، وارستگی، عقلانیت، مدیریت و هدایت در جهان مدرن بوده و در تحول و پیشرفت جامعه نقشی استراتژیک دارند مسئولیت‌ها و توقعات عملی و آموزشی را در بخش کشاورزی و جامعه روستایی افزایش داده است.

به علاوه، نتایج این پژوهش بر تحول بنیادین در برنامه‌های آموزش کشاورزی و تناسب محتوای آموزشی با شرایط کنونی و نیازهای جدید دلالت دارد. زیرا همان‌گونه که تحلیل چندمتغیری و تبیین چندبعدی داده‌ها به خوبی آشکار ساخت، در ۳۱ درصد از مشاغل کشاورزی و روستایی الگوها، ماهیت و محتوای شغل‌ها و ویژگی‌های شاغلان، امکان آموزش اثربخش را بسیار محدود کرده‌اند و عدم توجه به این مهم، سالانه میلیاردها ریال تضییع منابع را در پی دارد. در مقابل، برای حدود ۷۰ درصد از مشاغل، شروط وضعیتی و ماهیتی - الگویی جهت آموزش‌های کارآ و اثربخش وجود

دارد و برنامه‌های آموزش کشاورزان و روستاییان لزوماً با جهت‌گیری و اتخاذ سازوکارهای متناسب با این مشاغل، قرین موفقیت خواهد بود.

در مجموع بیش از دو سوم مشاغل کشاورزی و روستایی از مشاغل در حال گذار و دارای الزامات نوین آموزشی هستند و یک سوم آن‌ها در زمره مشاغل نوین (مدرن) قرار دارند و همه این مشاغل در طول دهه‌های اخیر ایجاد شده‌اند. بر این اساس، در تدوین استانداردهای آموزشی مشاغل، علاوه بر تکیه بر محتوای شغل، توجه به ویژگی‌ها و ماهیت شغلی بالاخص معیارهای ۳۳ گانه و مؤلفه‌های ترکیبی سه وجهی بسیار اساسی است. در این صورت، از زیادآموزی و کم‌آموزی و آموزش‌های غیرضروری پرهیز می‌شود؛ آموزش از حالت انتزاعی و تقلیدی خارج می‌شود و منطبق با شرایط هنجاری و ساختی - وضعیتی جامعه ایران خواهد شد؛ و در نهایت میزان تناسب محتوای آموزشی با محتوای شغل، ویژگی‌های شاغلان و شروط موقعیتی - وضعیتی افزایش می‌یابد و پیش‌بینی می‌شود که تحولی اساسی در شیوه‌ها و محتوای آموزش شغلی ایجاد شود و این تحول به سطوح آموزش عالی نیز تعمیم یابد.

### منابع

آرون، ریمون (۱۳۶۳) *مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی*، ترجمه باقر پرهام، تهران: سمت.

ابطحی، سید حسین و آرمن مهر وژان (۱۳۷۲) *طبقه‌بندی و ارزش‌یابی مشاغل*، تهران: صبا.

ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۵۲) *مقدمه ابن خلدون*، ترجمه محمد پروین گنابادی، جلد دوم، تهران: علمی و فرهنگی.

ازکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری (۱۳۸۳) *توسعه روستایی ایران با تأکید بر جامعه روستایی ایران*، تهران: نی.

\_\_\_\_\_ (۱۳۸۴) *جامعه‌شناسی توسعه*، تهران: کیهان.

ترنر، جانانان (۱۳۷۳) *ساخت نظریه جامعه‌شناختی*، ترجمه عبدالعلی لهسایی‌زاده، شیراز: نوید.

## وضعیت الگویی مشاغل کشاورزی در ایران

ترک‌نژاد، احمد (۱۳۸۱) «تهیه و تدوین استانداردهای آموزشی مشاغل روستایی و کشاورزی»، معاونت آموزش و تحقیقات معاونت ترویج و مشارکت مردمی، مؤسسه آموزشی علمی - کاربردی، دفتر آموزش روستاییان.

توسلی، غلام‌عباس (۱۳۷۵) *جامعه‌شناسی کار و شغل*، تهران: سمت.

جرنی، نسرين (۱۳۷۵) *مدیریت منابع انسانی*، تهران: نی.

چلبی، مسعود (۱۳۷۵) *جامعه‌شناسی نظم*، تهران: نی.

روشه، گگی (۱۳۷۶) *جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز*، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: نیان.

دورانت، ویل و اریل (۱۳۷۲) *تاریخ تمدن*، چاپ چهارم، جلد اول: مشرق زمین گاهواره تمدن، ترجمه امیرحسین آریان‌پور.

مرکز آمار ایران (۱۳۸۵) *سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن از ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵*، تهران: انتشارات مرکز آمار ایران.

مرکز ده‌های ایران (۱۳۸۵) *آمار روستاهای کشور*، تهران: وابسته به مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی وزارت جهاد کشاورزی.

Hetten,Burjn (1997) "The World, Security and Development",  
European journal of Development Studies

Parsons, Talcott (1967) *The Social System* New York: MCGraw  
Hill Book.

Parsons Talcott (1976) *The Structure of Social Action* New York:  
Free Press

United Nations (2003) *Human Development Report*